

هدف‌های کتابخانه‌های عمومی در ایران بعد از انقلاب

پذیرش مسؤلیت کتابخانه‌های عمومی توسط وزارت ارشاد اسلامی، نویسنده را واداشت تا به امید جدی گرفتن خدمات کتابخانه‌های عمومی نظری به اهداف کلی این کتابخانه‌ها انداخته، هدفهای ویژه کتابخانه‌های عمومی را در چند کشور مختلف شرح دهم و با مروری بر هدفهای کتابخانه‌های عمومی در ایران پیش از انقلاب، دو پیشنهاد درباره هدفهای کتابخانه‌های عمومی در ایران بعد از انقلاب عرضه دارم.

دکتر محمدحسین دینانی

هدفهای کلی کتابخانه‌های عمومی

بررسی اجمالی انواع هدفهای ضبط شده در متنهای کتابداری نشان می‌دهد که هدفهای کتابخانه‌های عمومی براساس دوترز فکر بنیان نهاده شده است:

الف) هرچه کتاب، مجله و نشریات بیشتر کتابخانه بهتر؛
ب) هرچه رضایت خواننده بیشتر کتابخانه بهتر.
کتابخانه‌هایی که به طرز فکر اول اولویت داده‌اند همه کوشش خود را به کار می‌برند تا (۱) هرچه بیشتر کتاب، مجله، روزنامه و اسناد و مدارک تهیه کنند؛ (۲) هرچه بیشتر نیروی انسانی متخصص به استخدام درآورند و (۳) هرچه دقیق‌تر مجموعه خود را نظم دهند.

کتابخانه‌هایی که نظر دوم را ارجح دانسته‌اند همه کوشش خود

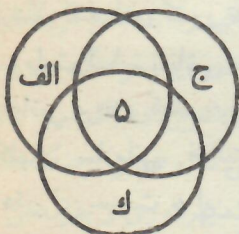
مَرْحُومَةُ عَلِيٍّ حَرْفِ عَبْدِ

وقایع و حقایق دور بزند. در چنین صورتی کتابداران دیگر نگاهبانان کتاب نیستند بلکه نگاهبانان و مروجان اندیشه‌های موجود در کتابها هستند.

از آنچه تا به حال شرح داده شد چنین بر می‌آید که کتابخانه‌های عمومی برای سه نقش اساسی به وجود می‌آیند: الف) تهیه مواد مورد نیاز جامعه‌ای که کتابخانه در خدمت آن است اعم از آنکه این نیازها هم اکنون موجود باشد و یا در آینده پیش آید؛ ب) سازمان دهی آن قسمت از دانش مکتوب بشری که بر پایه نیازهای بالقوه و بالفعل جامعه کتابخانه تهیه شده است؛ ج) در دسترس قرار دادن و عرضه کردن مواد تهیه شده به جامعه.

کمیت و کیفیت این سه وظیفه به چهار عامل بستگی دارد: (۱) شرایط فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر ساخت و تولید و توزیع انتشارات؛ (۲) طبیعت و ساخت نیازهای جامعه‌ای که کتابخانه برای خدمت به آن به وجود آمده است؛ (۳) دانش کتابداری؛ (۴) اثر متقابل سه حوزه فوق بر یکدیگر.

عوامل چهارگانه فوق دایره مطالعات و فعالیتهای روزانه کتابخانه‌ها را مشخص نموده و جهت می‌بخشد. در نمای شماره (۱) سه حوزه فوق‌الذکر به صورت دایره‌های الف (عالم انتشارات)، ج (جامعه کتابخانه) و ک (دانش کتابداری) مشخص شده است. نگاهی به این نما مشخص می‌کند که هدفها و چگونگی اجرای وظایف هر کتابخانه می‌باید بر اساس عوامل الف، ج و ک، بویژه اتکا و تأثیر متقابل این سه عامل (منطقه ۵) انتخاب و سازمان داده شود. مطالعه ویژگیهای این حوزه‌ها از بالا زمینه را برای نظریه پردازی جهت تعیین چرایی پدیده‌های کتابداری و کتابخانه‌ها فراهم می‌کند و مطالعه ویژگیهای این حوزه از پایین زمینه را برای تعیین بهترین روشهای انجام فعالیتهای آنی و روزمره کتابخانه مهیا می‌سازد.



نمای شماره (۱)

هدفهای کتابخانه‌های عمومی در سه کشور توسعه یافته و سه کشور در حال توسعه

پس از ذکر کلیاتی که کم و بیش در همه کشورها مورد توجه می‌باشند نظری به اهداف مشخصی که توسط کتابخانه‌های سه کشور توسعه یافته و سه کشور در حال توسعه تعقیب می‌گردند می‌اندازیم.

۲. مجموعه کتابخانه باید در دسترس باشد؛

۳. کتابخانه باید دسترسی به اطلاعات را تأمین کند؛

۴. کتابخانه دارای وظیفه آموزشی است.

فعالیهایی چون تعیین خط مشی انتخاب مواد، مطالعه جامعه کتابخانه، آشنایی با طرز کار و پیشینه ناشران، آگاهی از کارهای قبلی نویسنده، مطالعه نقد کتابها و غیره، فعالیتهایی است که از اعتقاد اول (مجموعه متناسب) سرچشمه می‌گیرد. دسترسی مردم به مجموعه کتابخانه در اقداماتی چون قفسه باز، شعبه‌های کتابخانه در مناطق دوردست، کتابخانه سیار، امانت بین کتابخانه‌ها و غیره صورت عملی بخود گرفته است. دسترسی به اطلاعات از طریق پاسخگویی حضوری و یا تلفنی تحقق می‌یابد و اعتقاد به وظیفه آموزشی کتابخانه به صورت آموزش غیررسمی بزرگسالان، همکاری با مؤسسه‌های آموزشی و تشکیل سخنرانیها و جلسات بحث و گفتگو ظاهر می‌یابد.

در مقابل نظرات فوق که مستقیماً به امور کتابخانه مربوط می‌شود، طرز فکرهای دیگری نیز درباره تعیین هدفها وجود دارد. به عنوان مثال به دو نمونه اشاره می‌شود. بر پایه یکی از این نظریات چون کتابخانه‌ها مستقیماً از طرف مؤسسه‌ها و واحدهای دولتی تأسیس و بودجه آنها توسط دولت تأمین می‌گردد، لازم است ارزشها و هدفهای پذیرفته شده توسط دولت در تعیین هدفها و فعالیتهای کتابخانه نقش اساسی داشته باشد؛ به بیانی دیگر کتابخانه می‌باید هدفهایی هماهنگ با هدفهای آموزشی فرهنگی و علمی دولت را دنبال کند.

نظریه دیگری وظیفه کتابخانه را حفظ و نشر هر چه بیشتر وقایع و حقایق می‌داند. طرفداران این نظر معتقدند که (۱) دولت‌ها و سیاستمداران همه حقایق و وقایع مربوط به زندگی مردم را بیان نداشته بلکه تنها به ذکر آن چیزهایی می‌پردازند که از صافی عقیدتی آنها گذشته باشد؛ (۲) مؤسسات تجاری و بازرگانی در ایجاد نیازهای غیر واقعی ساعی هستند و (۳) وسائل ارتباط جمعی در تثبیت شرایط موجود می‌کوشند. به نظر آنان در هنگامی که بیشتر دستگاهها از طریق تبلیغات در تغییر و یا تثبیت اندیشه و رفتار و کردار مردم می‌کوشند فعالیتهای کتابخانه‌ها باید بر محور

مربوط می‌شوند عبارت است از بندهایی از اصل دو و بندهایی از اصل سه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. اصل سوم می‌گوید که «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد».^{۱۱}

بند ۲ از اصل سوم: «بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر» (توسعه و تقویت مهارتها)

بند ۳ از اصل سوم: «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» (یادگیری مهارتها)

بند ۴ از اصل سوم: «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» (خلق و ابتکار)

بند ۱۳ از اصل سوم: «تأمین خود کفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» (خلق و ابتکار)

قسمت ب از بند ۶ اصل دوم: «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها (جذب و انطباق).

بر اساس بندهای ذکر شده از اصل دوم و سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است تا همه امکانات خود را برای نیل به اهدافی که ذکر شده به کار برد. راقم این سطور مفاهیم «یادگیری مهارتها»، «توسعه مهارتها»، «جذب و انطباق»، و «خلق و ابتکار» که محتوی هر بند را خلاصه می‌کند در انتهای هر بند قرار داده است تا بتواند در نمائی که بعنوان راهنما می‌تواند در تعیین هدفهای کتابخانه‌های عمومی ایران مورد استفاده قرار گیرد بهره برد. این نما (شماره ۲) رابطه دوجانبه آموزش رسمی / غیررسمی و فرهنگ و دانش مدون بشری را بنمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که هر نوع آموزشی به نحوی با فرهنگ مدون بشری در ارتباط دوجانبه است. بدین معنی که هر فردی بالقوه و یا بالفعل هم از فرهنگ مدون بشری استفاده می‌کند و هم بر فرهنگ مدون بشری تأثیر می‌گذارد. کمیت و کیفیت بهره‌وری و بهره‌دهی هر فرد به عوامل چندی بستگی دارد. ذیلاً به یک عامل فردی و به یک عامل اجتماعی مهم اشاره می‌شود:

نمای شماره ۲ مشخص می‌کند که برای دستیابی به هر یک از هدفهای چهارگانه مشخص شده در قانون اساسی هر فرد ناچار است که مستقیم (خود بخواند) یا غیرمستقیم (از دیگران که خوانده‌اند بیاموزد) با فرهنگ و تمدن مکتوب چه به گونه‌ای

هدفهای کتابخانه‌های عمومی در ایران بعد از انقلاب در مورد هدفهای کتابخانه‌های عمومی بعد از انقلاب هنوز نویسنده مطلبی نخوانده است جز اینکه در ماهنامه فجر که اداره کل ارشاد اسلامی خراسان منتشر می‌کند آمده است که «کتابخانه عمومی سازمانی است که بزرگ و کوچک، پیر و جوان، فقیر و غنی، بیمار و سالم باید بتوانند در آن کتابی درخور خود بیابند و از خدمات آن سازمان برخوردار شوند. امروز افراد جامعه درباره مسائل اجتماعی و تربیتی و سیاسی اطراف خود در جهان هشیارتر و کنجکاوتر هستند؛ آنان به یک مرکز اطلاعات در هر زمینه احتیاج دارند و این هدفی است که امروز کتابخانه‌های عمومی زنده واقعی برای نیل به آن کار می‌کنند».^{۱۲}

علاوه بر مورد فوق که مستقیماً هدفهای کتابخانه‌های عمومی را مشخص کرده است می‌توان از طریق مطالعه فعالیت‌های مربوط به کتابخانه که بعد از انقلاب انجام شده است نتیجه گرفت که کتابخانه‌های عمومی موظف به فراهم آوردن امکانات برای دسترسی همگان به فرهنگ مکتوب است. وجود بیش از ۱۲۶۰۰ کتابخانه عمومی که توسط جهادسازندگی تأسیس شده و موضوعات کتابهای موجود در آنها خود تأییدی است بر این مدعا. با مراجعه به کتابخانه‌های جهاد سازندگی و مشاهده صورت کتابهای کتابخانه که معمولاً به دیوار نصب شده است مشخص می‌شود که این کتابخانه‌ها به گرد آوری و عرضه کتابهای دینی، فرهنگی و اجتماعی بسنده کرده‌اند. به بیانی دیگر، هدفهایی که کتابخانه‌های عمومی جهاد سازندگی دنبال می‌کنند اشاعه فرهنگ (به معنی اختصاصی آن) در سطح کشور است.

نبودن هدفهای مشخص برای کتابخانه‌های عمومی در ایران بعد از انقلاب، احتمالاً به دلیل بحث طولانی انتقال یا عدم انتقال مسؤلیت کتابخانه‌های عمومی به وزارت ارشاد اسلامی بوده است که سرانجام آثار قطعی شدن انتقال ظاهر شد و منتظریم تا با این امر شاهد تحرك اساسی در کتابخانه‌های عمومی باشیم. نویسنده این سطور بر این باور است که هدفهای کتابخانه عمومی در ایران بعد از انقلاب می‌باید از اصول قانون اساسی سرچشمه بگیرد. مهمترین این اصول که کاملاً به وظایف کتابخانه‌های عمومی

می‌کرد. درجه بندی فرهنگ و هنر می‌گفت که فرد ساکن در مراکز بخش بالقوه حق دارد به ۴ تا ۸ هزار جلد کتاب و فرد ساکن تهران به ۱۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب دسترسی داشته باشد^۱. هرگاه بخواهیم تنها همین دوگونه تبعیض مکانی و مالی را تعدیل کنیم که بنابه بند ۹ اصل دوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به تعدیل آن است^۲ چاره‌ای جز توجه جدی و اساسی به کتابخانه‌های عمومی نداریم. در تعدیل این دوگونه تبعیض باید دوگروه دخالت فعال داشته باشند:

۱. دولت بعنوان مسؤل توزیع عادلانه امکانات فرهنگی و علمی بین تک‌تک افراد اجتماع.
۲. انجمنهای کتابخانه‌ها و کتابداران به عنوان پاسخگویان به نیازهای فرهنگی ر علمی هر منطقه.

بدین ترتیب که دولت جمهوری اسلامی ایران یا مسؤلان منصوب شده از طرف آن، کمیت و کیفیت مجموعه و سایر امکانات اولیه‌ای را که باید در کلیه کتابخانه‌های ایران (صرفنظر از ویژگیهای محلی) وجود داشته باشد تعیین و نسبت به فراهم آوردن امکانات مالی و غیرمالی آن اقدام کند تا همه افراد مملکت بتوانند از دسترسی به کتابخانه عمومی در سطح حداقل مشخص شده بهره‌برند. براین اساس اولین و مهمترین هدف کتابخانه‌های عمومی این خواهد بود که حداقل امکانات مشخص شده توسط

دولت را برای دسترسی هر فرد ایرانی به فرهنگ مکتوب فراهم آورند. هدفهای دیگر کتابخانه‌های عمومی را میتوان با مطالعه نیازهای جامعه کتابخانه به کسب مهارتها، توسعه و تقویت مهارتها، جذب و انطباق و خلق و ابتکار و امکانات موجود محلی برای رفع این نیازها تعیین کرد. این وظیفه‌ای است که انجمن کتابخانه‌ها و کتابداران بردوش دارند. آنها باید ضمن بررسی نیازهای جامعه کتابخانه و بررسی امکانات موجود محلی که مهمترین آنها در نمای شماره ۲ ذکر شده است هدفهای اختصاصی کتابخانه‌های خود را مشخص، اولویتها را تعیین و امکانات محلی را در جهت دستیابی به آنها بسیج کنند.

در این مرحله از زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی ایران مردم ما برای شناخت خود و جهان و برای قرار گرفتن در جای واقعی خود و گذشتن از مرحله غیرفعال و دیگر تصمیم‌گیر به جامعه‌ای اسلامی، صنعتی و متحول و خود تصمیم‌گیر بیش از هر زمان دیگری به دانشهای فرهنگی و علمی نیاز دارند. در اجرای این مهم بار اصلی بردوش کتابخانه‌های عمومی است. امید است که دولت جمهوری اسلامی و وزارت ارشاد اسلامی به این نکات توجه کافی نموده از امکانات و نیروهای انسانی موجود در راه واقیبت بخشیدن به رسالت فرهنگی و علمی کتابخانه‌های عمومی بهره‌برند.

۱۲. علی نیکسار. «تاریخچه کتابخانه‌های کاشان از قرن ششم تا عصر حاضر». نامه انجمن کتابداران ایران. زمستان ۱۳۵۱، ص ۸۶-۹۳.
۱۳. مرتضی کوکی. «تحقیق درباره مسائل کتابخانه‌های عمومی از نظر کیفی - بررسی نمونه از کتابخانه‌های عمومی تهران و مقایسه آنها با دو کتابخانه خارجی در ایران» (پایان نامه فوق لیسانس کتابداری دانشگاه تهران). ۱۳۵۷، ص ۴.
۱۴. نوش آفرین انصاری. «نامه سرگشاده به آقای شهردار». نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۳، ص ۶۷-۸۲.
۱۵. نورالله مرادی. «کتابخانه عمومی، دانشگاه مردم». نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۲، ص ۱-۳.
16. Syed Jalaluddin Haider. «Public Libraries in Iran.» U. N. E. S. C. O *Bulletin in Libraries* 28 (1974), P. 364-5
۱۷. اداره کل ارشاد اسلامی خراسان، اداره کتابخانه‌ها. ماهنامه فجر، گزارشی از فعالیتهای کتابخانه‌های عمومی استان ۱۳۶۰ شماره ۵، ص ۵.
۱۸. محمد حسین دیانی. «ضرورت آموزش کتابداری بعد از انقلاب». نشر دانش، سال ۲، شماره ۲، ص ۴۰.
۱۹. ر. ک. به: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. ناصر مظاهری تهرانی و محمد هادی ققیهی. دانشتیهای کتابداری. تهران، ۱۳۴۸، ص ۳-۴.
۲۱. مرتضی کوکی. منبع شماره ۱۳. پیوست شماره ۱.
۲۲. ر. ک. به: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

1. Gordon Stevenson. The Public Library in a communication Setting. *Library Quarterly*, 48 (1978), 393 - 415.
2. Mary Jo Lynch. Educational, Cultural and Recreational Services of the Public Library for Adults. *Library Quarterly*, 48 (1978) 476 - 487
3. W. boyd Rayward. «Introduction: The Public Lib--- a Perspective and Some Questions». *Library Quarterly*, 48 (1978), No. 2
4. Kenneth E. beasley. «Political Parametors Affecting Library Services». *Library Trends*, 23 (1974), No. 2
5. Gordon Stevenson. «The Public Library in Communicating». *Library Quarterly*, 48 (1978), 393-415
۶. مهدی مجتویی. «شیوه امانت بین کتابخانه‌های دانمارک». نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۵، ص ۳۹۹-۴۰۸.
7. Rudolf Joerden. «Public Library System of West Germany Since 1945.» In: *Libraries for the People*. edited by Robert F. Vollans. Great Britain, The Library Association, 1968. P. 238.
۸. پروانه بهار (خسروپور). «کتابخانه در خدمت محرومین اجتماع». نامه انجمن کتابداران ایران تابستان ۱۳۵۳، ص ۱۶۸-۱۷۶.
۹. تی. ما. جان. «کتابخانه‌ها در جمهوری خلق چین از سال ۱۹۴۹ به بعد». ترجمه عباس حری. نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۰، ص ۶-۱۶.
۱۰. فرخنده سعیدی. «پیدایش پنج اصل کتابداری و نشر آن در هند». نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۱، ص ۷۵-۸۴.
۱۱. ع. ا. صابر. «سیر تاریخی و تحول کتابخانه‌ها در افغانستان». نامه انجمن کتابداران ایران. پائیز ۱۳۵۴، ص ۳۰۹-۳۴۰.

۳. آمیزش آموزش با اصول تکنولوژی، کار خلاقه و تولیدی و

تحقیق.

۴. بسیج و سهم کردن توده‌های کارگری در آموزش و

پرورش.

در این میان مهم‌ترین توفیق در اجرای هدف اول از طریق حذف شهریه، تأمین وسایل کار و کتابهای درسی مجانی، بورسهای تحصیلی و کمکهای اقتصادی به آموزش‌یابندگان بوده است.

پیکار با بیسوادی

کارشناسان اعزامی یونسکو که در ۱۹۶۴ برای ارزیابی کار به کوبا سفر کرده‌اند در گزارش خود به صرف بی‌دریغ منابع انسانی، زمانی و مادی اشاره دارند. و از آن برتر سازمان سیاسی نهضت و برنامه‌های مشخص و طرحهای دقیق را از علل موفقیت آن دانسته‌اند. علاوه بر آن لازم است به عوامل مساعد طبیعی - انسانی اشاره شود که نهضت از آن برخوردار بود. این عوامل عبارتند از: ۱- یکسانی زبان، ۲- آب و هوا و شرایط جغرافیائی، ۳- تراکم و فشردگی جمعیت. و این هر سه در موفقیت يك برنامه و یا لااقل طول زمانی آن تأثیر دارند. طرح ریشه‌کنی بیسوادی در کوبا با دو برنامه کوتاه مدت و دراز مدت مشخص شد. هدف اولیه برنامه یکساله سوادآموزی رساندن هر فرد به سطح یادگیری کتاب اول بود. یادگیری این کتاب به زمانی معادل سه ماه نیاز داشت که طی آن سوادآموز خواندن و نوشتن را می‌آموخت. دوره‌ای که برای رساندن همه بیسوادان کشور به این مرحله در نظر گرفته شد یکسال بود. در ۱۹۵۹ وزارت آموزش و پرورش کار تأسیس کمیسیونهای سوادآموزی و آموزش پایه را در سطح کشور، ایالت و شهر بر عهده گرفت.

در ۱۹۶۰ کار جمع‌آوری وازگان کارگری و دهقانی برای به کار گرفتن در کتابهای درسی انجام و خاتمه پذیرفت. در همین سال روش تعلیم به آموزگاران و آموزشیاران آموخته شد. و بعد به کار تهیه آمار پرداختند تا تعداد و پراکندگی بیسوادان مشخص شود.

سال ۱۹۶۱ رسماً سال آموزش اعلام شد. شعار عمومی برای ملت کوبا در آن سال این بود «اگر با سوادی به دیگران بیاموز، اگر بیسوادی از دیگران بیاموز». دانش آموزان ده پانزده ساله با شور و شوق و با مشعل و کتابی دردست به مناطق کوهستانی و دهات دور افتاده و صعب‌العبور برای یاد دادن خواندن و نوشتن به بزرگسالان

درکوبا

فرشته کاشفی

انقلاب آموزشی

بی‌گمان ریشه‌کن کردن بیسوادی از موفقیتها و دست‌آوردهای مهم انقلاب کوبا بوده است. این تلاش صرفنظر از نقش اساسی آن در حل مشکلات اجتماعی کوبا، از نظر شیوه و روش کار دارای ویژگیهایی است که آن را در میان جنبشهای مبارزه با بیسوادی جهان متمایز می‌سازد.

انقلاب کوبا با خود تغییرات زیادی به همراه آورد و شیوه جدیدی از تفکر و زندگی عرضه داشت که با آنچه قرن‌ها در آن کشور و سایر کشورهای امریکای لاتین سابقه داشت شدیداً در تعارض بود. بظاهر انقلاب کوبا از نظر ساختار نهادها و مفاهیم به آنچه در کشورهای سوسیالیست اروپای شرقی و چین ارائه شده است شباهت دارد ولی در عمل روایت کوبا از سوسیالیسم روایتی یگانه و بغایت متفاوت بوده است.

در کوبا حکومت از يك روش توتالیستی (یا توتالیتیر Totalitarian) پیروی می‌کند که در آن حزبی واحد و حاکم وجود دارد و با رهبری فردی اداره می‌شود. کنترل و نظارت دولت در سطح وسیع اعمال می‌شود. رهبری انحصاری تمامی رسانه‌های گروهی دردست حزب است و تمامی سازمانها و فعالیتها از مرکز اداره می‌شود. در این مجموعه، هدف غائی و اساسی نظام آموزشی تغییر و تحول و انتقال افراد تحت کنترل این نظام است به سوی کمال مطلوبی که اومنیسم سوسیالیستی نام دارد با نظامی سیاسی که مهر کمونیسم را بر پیشانی خود دارد.

«طرح بزرگ» انقلاب آموزشی کوبا را چهار هدف اساسی زیر مشخص می‌کند:

۱. همگانی کردن آموزش و پرورش از مهدکودک تا دانشگاه تا آنجا که دانش و تکنولوژی دردسترس همگان قرار گیرد.

۲. جهت‌دهی مارکسیستی به امر آموزش و پرورش (رسالت ایدئولوژیک آموزش).